

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۴، ص ۸۵ - ۱۰۸

## بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا

دکتر طاهره ایشانی\* - نرگس نظیف\*\*

### چکیده

یکی از مباحث پرکاربرد در زبان‌شناسی نقش‌گرا این است که زبان، نظامی اختیاری و قراردادی نیست بلکه طبیعی و پرورده جامعه و انسان است. بر همین اساس در دستور زبان نظام مند نقش‌گرا برای تحلیل گفتمان، سه فرانش متنی، بینافردی و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود. در کارکرد تجربی که زیرمجموعه فرانش اندیشگانی است، این موضوع مطرح است که تجربیات دنیای درون و بیرون کاربر زبان از طریق زبان او بیان می‌گردد. محصول این کارکرد در جمله، گذرایی است که برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود و از این طریق یک فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشتهای خویش را از حوادث، وقایع و پدیده‌های

---

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [Tahereh.ishany@gmail.com](mailto:Tahereh.ishany@gmail.com)

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [n.nazif2014@gmail.com](mailto:n.nazif2014@gmail.com)

تاریخ پذیرش ۹۳/۱۱/۱۵

تاریخ وصول ۹۳/۷/۲

جهان بیرون و درونش به مخاطب عرضه می‌کند. لذا با توجه به این مسأله و ارتباط تنگاتنگ ذهن و زبان؛ این مقاله با روش تحلیلی - آماری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی سبکی افعال به کار رفته در غزل‌های تعلیمی سعدی با این رویکرد پرداخته است و از رهگذر این بررسی سبکی و ارتباط ذهن و زبان، ضمن ارائه شاخص یا شاخص‌های سبکی در این گونه غزل‌های تعلیمی سعدی، اشاره‌ای نیز به مهمترین برجسته‌ترین اندیشه‌های تعلیمی و برخی ابعاد شخصیتی وی داشته است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که یکی از شاخص‌های سبکی سعدی با این رویکرد، کاربرد فراوان فرایند رابطه‌ای است که نقش آن توصیف ویژگی‌ها و صفات یک موجود یا شناسایی و تعریف هویت آن است. همچنین سعدی در غزل‌های تعلیمی خود از طریق فرایند رابطه‌ای «وصفی یا هویتی» دو اندیشه تعلیمی را برجسته و مطرح می‌سازد که یکی در راستای اندیشه غنایی غزل یعنی «عشق» است که مبین شخصیت عاطفی - عاشقانه و اخلاق‌گرای وی است و دیگری اندیشه فلسفی خیام است که حاکی از بشر دوستی و خیام‌گرایی سعدی است و نشان می‌دهد که وی شاعر عشق و زندگی است. لذا می‌توان گفت سعدی سعی دارد انسان‌ها را به سوی فلسفه زندگی یعنی تعلیم چگونه زندگی کردن و لذت بردن از آن سوق دهد و به آن دعوت کند.

### واژه‌های کلیدی

سعدی، غزل تعلیمی، زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، گذرایی.

### 1- مقدمه

غزل از جمله قالب‌های به کار رفته در ادب غنایی است که احساسات و عواطف شاعر را آشکار می‌سازد. اشعار غنایی به سروده‌هایی گفته می‌شود که به جای گفتگو از

حوادث خارجی، از هیجان‌ها و احساسات روحی، سخن می‌گوید و بیانگر واکنش‌های لطیف روحانی و سرکشی‌های رقیق درونی و معنوی شاعر باشد» (صبور، 1370: 7). شهرت سعدی نیز بیشتر در غزل است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت او خداوندگار غزل عاشقانه پارسی است و توفیق یافته است که عالی‌ترین و زیباترین احساسات آدمی را با محوریت عشق و دوستی با زبان شعر بیان کند. در واقع غزلیات سعدی جولانگاه وسیعی است برای بیان عشق و مفاهیم عمیق عاشقانه. به طوری که در این گونه اشعار، او، عواطف و احساسات غنایی به بهترین شکل خود را نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، از آنجا که سعدی شاعری عاطفی و عاشق است، در غزلیات خود به مضمون عشق - به عنوان کلیدی‌ترین مضمون - پایبند بوده است.

از سوی دیگر تنوع در مضمون غزلیات عاملی مهم و اساسی در زیبایی و دلپذیری سخن سعدی محسوب می‌گردد. در واقع غزل سعدی هرچند عاشقانه است اما «با چاشنی تصوف، اندرز و عبرت نیز آمیخته شده است» (شمیسا، 1386: 88). در واقع «سعدی به مضمون اصلی غزل که عبارت از شرح بیان عشق و عاشقی است، وفادار مانده و در خلال آن معانی دیگر از جمله مضامین اجتماعی یا اخلاقی یا عرفانی را مطرح کرده است» (همان، 1386: 89).

با توجه به مطالب فوق و کاربست مضامین مختلف در غزل‌های سعدی می‌توان چنین گفت که متن تحلیلی در این مقاله، غزل‌های تعلیمی سعدی است. غزل‌هایی که شیخ اجل در آن‌ها همانند گلستان و بوستان به بیان اخلاق، حکمت و موعظه پرداخته است. البته در کنار این مضمون، مضمون اصلی غزلیات سعدی - مضمون عاشقانه - نیز لحاظ شده و به کار رفته است. سعدی در راستای پایبندی به شعر غنایی و مضمون عاشقانه در غزلیات، به شعر تعلیمی<sup>1</sup> و مضمون «پند، اندرز، حکمت و موعظه» نیز توجه دارد.

لذا این مقاله در نظر دارد با روش تحلیلی - آماری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی سبکی افعال به کار رفته در بیت‌های تعلیمی این غزل‌ها با رویکرد زبان‌شناسی

نقش‌گرا<sup>۲</sup> بپردازد و از رهگذر این بررسی سبکی و ارتباط زبان و ذهن، ضمن ارائه شاخص یا شاخص‌های سبکی در غزل تعلیمی سعدی، به مهمترین و برجسته‌ترین اندیشه‌های تعلیمی و برخی ابعاد شخصیتی وی دست یابد.

بر این اساس این مقاله در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- افعال به کار رفته در ابیات تعلیمی غزل‌های سعدی، دارای چه نوع فرایندی هستند؟ و بیشترین فرایندهای کاربردی در غزل‌ها کدام است؟
- شاخص‌های سبکی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی کدامند؟
- سعدی در غزل‌های تعلیمی از طریق کاربست پربسامدترین فرایند، چه اندیشه‌های تعلیمی را بیشتر مطرح ساخته است و این اندیشه‌ها رهنمود چه ویژگی شخصیتی وی است؟

### 1-1 پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی که مرتبط با موضوع مقاله حاضر باشد، انجام نشده است اما پژوهش‌هایی نزدیک به موضوع این مقاله هستند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد:

- ایران‌زاده در «تحلیلی بر کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی» (1382)، ضمن تأکید بر نحو غزلیات، به کاربرد افعال از جنبه بلاغی و زیبایی‌شناسی توجه داشته است. این مقاله اگرچه در حوزه غزلیات سعدی انجام گرفته است اما به طور خاص به غزل-های تعلیمی سعدی و با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا پرداخته است. ضمن آنکه به تحلیل سبک‌شناختی افعال با این رویکرد اکتفا کرده است، وارد حیطه شخصیت‌شناسی نشده است.

- مدرس‌زاده و صفوی در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به آموزه‌های اخلاقی در غزل‌های سعدی» (1390) به بررسی گرایش‌های اخلاقی در غزل‌های عاشقانه سعدی پرداخته‌اند. این مقاله علاوه بر این که به غزل‌های تعلیمی سعدی پرداخته است، از رویکرد مورد نظر نیز استفاده نموده است.

پژوهش‌های دیگری نیز با استفاده از این رویکرد در متونی غیر از غزل‌های تعلیمی سعدی انجام شده که برای پرهیز از اطاله کلام فقط به نام آن‌ها اکتفا می‌گردد:

- مقاله «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا» (1390) از آقاگل‌زاده و همکاران.

- مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» (1393) از ایشانی.

- مقاله «بررسی و تحلیل «نی‌نامه» سروده مولوی بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سازگانی» (1391) از نبی‌لو.

با توجه به این که مبنای نظری این پژوهش، نظریه متن‌بنیاد و نقش‌گرای هلیدی است، توضیح و تبیین این رویکرد در ادامه بحث ضرورت دارد.

## 2-1 زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا

زبان‌شناسی نقش‌گرا از اواسط قرن بیست رشد و گسترش یافت. آندره مارتینه، فرث و هلیدی از جمله پیشگامان این زبان‌شناسی هستند. این نظریه بر پایه نقش و معنا استوار است و از نظریه سیستم-ساخت (system-structure theory) فرث، تأثیر بسیار پذیرفته است (Halliday, 1994: 45). این نظریه بعدها حول محور سیستم شکل گرفت و آن را زبان‌شناسی سیستمی یا زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا نامیدند. در دستور زبان نظام‌مند نقش‌گرا، برای تحلیل گفتمان، فرانش‌ها مورد توجه هستند.

فرانش‌ها همان بخش‌های بنیادین معنا هستند که به آن‌ها *metafunction* گفته می‌شود. در این دستور، برای تحلیل گفتمان، سه فرانش متنی، بینافردی و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود (ibid: xiv, xiii). تحلیل پیش‌رو بر اساس فرانش‌اندیشگانی است. فرانش‌اندیشگانی متضمن بازنمایی واقعیت و گویای محتوای کلام و گفتمان است. (مهاجر و نبوی، 1376: 27) و به دو کارکرد تجربی (experiential) و منطقی (logical) تقسیم می‌شود (Halliday & Hasan, 1989: 26).

در کارکرد تجربی، کاربر زبان تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان بیان می‌نماید. محصول این کارکرد در جمله، گذرایی (transitivity) نامیده می‌شود که مؤلفه‌ای از فرانش اندیشگانی و مشخصه‌ای از جمله است و برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود. (Halliday an Hasan, 1976: 21)

درارتباط با گذرایی فعل، هلیدی (ibid: 161) سه نوع فرایند اصلی با نام‌های مادی، (material) ذهنی (Mental)، و ربطی (relational) و سه نوع فرایند فرعی با نام‌های رفتاری، (behavioral) لفظی (Verbal)، و وجودی (existential) معرفی می‌کند.

- فرایند مادی، از نوع کنش است؛ یعنی کسی یا چیزی، کاری را انجام می‌دهد. مانند افعال «پختن، ساختن، کوبیدن و...» (ibid: 103-104). مثال: مادر غذا را پخت.  
 - فرایند ذهنی: فرایندی است بیانگر احساسات، اندیشه‌ها و ادراک فرد مانند افعال «دوست داشتن، درک کردن، دیدن و...» (ibid: 106-112). مثال: من به این موضوع می‌اندیشم.

- فرایند رابطه‌ای: فرایندی است که اشاره بر چگونه بودن چیزی و یا کسی دارد. مانند افعال: بودن، شدن، گشتن و...». از نظر هلیدی، فرایندهای رابطه‌ای دو گونه‌اند:  
 الف. حالت وصفی (اسنادی): (attributive mode) درچنین حالتی، یک ویژگی (attribute) به موجودی نسبت داده می‌شود (ibid: 113-114). مثال: مریم باهوش است.

ب. حالت شناسایی (هویتی): (identifying mode) در این حالت، هویتی به موجودی نسبت داده می‌شود. یعنی رابطه‌ای که در آن یک عنصر، معرف هویت عنصر دیگری است (ibid). مثال: زندگی با برنامه ریزی پیش رفتن است.

- فرایند رفتاری: این نوع فرایند به رفتارهای روانی و زیستی یا فیزیولوژیک انسان (مانند: خندیدن، خوابیدن، نفس کشیدن و...) اشاره دارد (Halliday an

(Hasan, 1976: 128). مثال: من می‌خواهم.

- فرایند کلامی (لفظی): در این نوع فرایند، عنصر فعلی فرایند از نوع «گفتن» است

(ibid: 128). مثال: من موضوع را به او گفتم.

- فرایند وجودی: فرایندی است که از موجودیت و هستی پدیده‌ای و یا عدم آن، سخن می‌گوید. همچنین از اتفاقاتی که به وقوع پیوسته، خبر می‌دهد. افعالی همچون «وجود داشتن، بودن و ...» دارای این نوع فرایند هستند (Halliday, 1994: 130). مثال: او در خانه است.

## 2- تحلیل و بررسی غزلیات تعلیمی سعدی

از آنجا که سبک هر اثر برگرفته از خلاقیت‌های ذهنی صاحب اثر است، ابتدا به بررسی سبکی فعل در غزلیات تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌پردازیم و سپس از رهگذر بررسی‌های انجام شده به اندیشه‌های تعلیمی سعدی و برخی ویژگی‌های شخصیتی وی اشاره خواهیم نمود.

برای دستیابی به این امر ابتدا تمام غزلیات سعدی - که بر اساس نسخه فروغی 696 غزل است - بررسی مضمونی گردید و از میان آن‌ها 211 غزل با مضمون عاشقانه - تعلیمی انتخاب شد. به این معنی که 211 غزل از 696 غزل سعدی دارای مضمون عاشقانه - تعلیمی بودند. با این وصف مشخص می‌گردد که حدود یک سوم از غزل‌های سعدی، تعلیمی هستند. با مطالعه غزل‌های با این مضمون، 734 بیت با مفهوم و مضمون تعلیمی جدا شدند و سپس افعال این اشعار - یعنی 2306 فعل - با رویکرد نقش‌گرایی تحلیل سبکی گردیدند. با بررسی نوع فرایند به کار رفته در هر یک از این افعال، نتایج آماری زیر به دست آمد که در جدول 2-1 نشان داده شده است.

جدول ۱-۲- بسامد و درصد فرایندهای به کار رفته در غزلیات تعلیمی - عاشقانه سعدی

نوع فرایند	بسامد	درصد	پرسامدترین افعال	شاهد مثال
رابطه‌ای	653	28/5%	هست، نیست، داشتن، نداشتن، بودن و نبودن	نیک خواهانم نصیحت می‌کنند خشت بر دریازدن بی‌حاصل است (سعدی، 1377: 112) نسبت عاشق به غفلت می‌کنند زان‌که معشوقی ندارد غافل است (همان: 112)
ذهنی	544	23/5%	دیدن و ندیدن، شنیدن و نشنیدن، دریاب، دانستن، خواستن، دل دادن و دل ندادن، شناختن	ز هرچه هست گزیرست و ناگزیر از دوست به قول هرکه جهان مهر بر مگیر از دوست (همان: 147) دریاب دمی صحبت باری که دگر بار چون رفت نیاید به کمند آن دم و ساعت (همان: 202)
مادی	426	18/5%	رفتن و گذراندن، نرفتن، کشتن، خون ریختن، پنجه افکندن	سعدی اگر عاقلی عشق طریق تو نیست با کف زور آزمای پنجه نشاید فکند (همان: 318) آخر ای نادره‌ی دور زمان از سر لطف بر ما آی زمانی که زمان می‌گذرد (همان: 262)
کلامی	284	12/5%	گفتن، عیب کردن، نصیحت کردن، پند دادن، ملامت کردن، دعوی کردن	نکوگویان نصیحت می‌کنندم ز من فریاد می‌آید که خاموش (همان: 489) سعدی تو کیستی که دم دوستی زنی؟ دعوی بندگی کن و اقرار چاکری (همان: 794)
رفتاری	281	12%	صبر کردن، تحمل کردن، عهد شکستن، غم خوردن	سعدی اگر زخم خوری، غم مخور فخر بود داغ خداوندگار (همان: 438)
وجودی	118	5%	هست و نیست، ماندن و نماندن	ای گل خندان نوشکفته نگه دار خاطر بلبل که نوبهار نماند (همان: 326)



با توجه به این جدول بیشترین فرایند به کار رفته در غزل‌های تعلیمی، فرایند رابطه‌ای (28/5%) است و پس از آن، فرایند ذهنی (23/5%) و فرایند مادی (18/5%) بیشترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده‌اند و سایر فرایندهای موجود در این ابیات به ترتیب بسامد و درصد عبارتند از: کلامی، رفتاری و وجودی.

چنان‌که پیش از این بیان گردید، در این مقاله علاوه بر یافتن شاخص / شاخص‌های سبکی غزلیات تعلیمی سعدی در پی آن هستیم که با استفاده از پرسامدترین فرایند به کار رفته در این غزلیات - فرایند رابطه‌ای - به اندیشه‌های تعلیمی سعدی و همچنین برخی ویژگی‌های شخصیت او دست یابیم. بر اساس جدول فوق می‌توان گفت کاربست فرایندهای رابطه‌ای و ذهنی با فراوانی و بسامد بالا یکی از شاخص‌های سبکی غزلیات تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا است.

با توجه به این شاخص سبکی، پرسشی که به وجود می‌آید این است که چرا سعدی از فرایند رابطه‌ای - که نقش آن توصیف و ویژگی‌ها و صفات یک موجود یا شناسایی و تعریف هویت آن است - در غزل‌های تعلیمی خویش، بیش از سایر فرایندها استفاده نموده است؟ همچنین با کاربست این فرایند همراه با افعال پرسامد «است، نیست و ...» چه نوع اندیشه‌های تعلیمی را بیشتر مطرح کرده و به تعریف و توصیف آن‌ها پرداخته است؟ همچنین اندیشه‌های تعلیمی مطرح در این ابیات، بیانگر چه بعدی از شخصیت سعدی می‌تواند باشد؟

بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که با کاربست فرایند رابطه‌ای با دو دسته اندیشه تعلیمی سعدی مواجهیم:

#### الف. اندیشه تعلیمی «اخلاق» در راستای اندیشه غنایی غزل «عشق»

از آن جا که مضمون اصلی در غزلیات سعدی، عشق است و مضامین دیگر، از جمله مضمون تعلیمی در پرتوی این مضمون محوری مطرح شده‌اند، سعدی در بسیاری از

غزل‌ها اندیشه‌های تعلیمی و باید و نبایدهای اخلاقی را در راستای اندیشه غنایی غزل - عشق - مطرح ساخته است. در واقع، سعدی در این دسته غزل‌ها به اصول اخلاقی که باید در راه عشق‌ورزی رعایت کرد، اشاره می‌کند و در قالب پند و اندرز، ملامت و سرزنش به طور خاص خطاب به خود و یا معشوق خویش و گاه به طور عام خطاب به دیگران درس عشق و راه و رسم عاشقی می‌آموزد.

بدین ترتیب او با اخلاق‌گرایی بر مدار عشق، بسیاری از خصوصیات اخلاقی خویش را نیز به عنوان شاعری عاشق و اخلاق‌گرا منعکس می‌نماید. به عبارت دیگر سعدی با کاربرد فراوان فرایند رابطه‌ای در اشعارش که می‌تواند صفات و یا ویژگی‌هایی را به موجودی نسبت دهد و یا معرفت هویت موجودی باشد، به بسیاری از صفات و خصوصیات خود اشاره می‌کند و به معرفت شخصیت خویش - به طور غیر مستقیم و ضمنی - می‌پردازد. از سوی دیگر، در مواردی که رفتارهای نامناسب معشوق را به وی گوشزد می‌نماید، به رسم احترام و ارادت یک عاشق نسبت به معشوق، لحن او متعادل و مبادی آداب است. لذا می‌توان گفت سعدی استاد مسلم نهادینه ساختن اصول اخلاقی بر مدار عشق‌ورزی و دیگر دوستی است.

در واقع، سعدی در مقام عاشقی اخلاق‌گرا، در بیان مفاهیم عشق و عاشقی از اخلاق رویگردان نیست. او در بسیاری موارد، اندیشه‌های غنایی عاشقانه غزل را با اندیشه تعلیمی اخلاق‌گرا پیوند می‌دهد. ضمن آن که کاربرد دو مضمون عاشقانه - تعلیمی در کنار یکدیگر بیانگر پیوند عشق با حکمت، اخلاق و عرفان در شعر اوست. چنان‌که درین باره ریپکا معتقد است که «عادی‌ترین شکل برداشت مفهوم از غزل‌های سعدی، امتزاج خمیریات و عشقیات با عرفان و حکمت تلقی می‌شود» (1381: 356).

در ادامه به نمونه‌هایی از کاربرد فرایند رابطه‌ای در شعر سعدی در راستای تعلیم مسایلی همچون بیان شروط عشق، راه و رسم عشق‌ورزی و همچنین در معرفت خصوصیات اخلاقی خویش در مقام عاشق اخلاق‌گرا اشاره می‌گردد.

کاربست فرایند رابطه‌ای جهت تعلیم راه و رسم عشق‌ورزی

آدمیت در راه عشق: سعدی شرط آدمیت را در گروی عشق‌ورزی به معشوق و بهره‌مندی از صورت و سیرت زیبا می‌داند:

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری؟  
تو خود چه آدمی‌ای کز عشق بی‌خبری؟

(سعدی، 1377: 799)

آدمی نیست مگر کالبدی بی‌جان است  
آن که گوید که مرا میل به دیدار تو نیست

(همان: 189)

پندارم آن که با تو ندارد تعلق  
نه آدمی که صورتی از سنگ و رو بود

(همان: 380)

گر آدمی صفتی سعدیا به عشق بمیر  
که مذهب حیوانست این چنین مردن

(همان: 681)

عیب سعدی مکن ای خواجه اگر آدمی‌ای  
کآدمی نیست که میلش به پری‌رویان نیست

(همان: 187)

- ترک تعلق در طریق عشق‌ورزی: سعدی دنیا با همه تعلقات آن (مال، جاه، مقام و ...) را فدای عشق می‌کند:

بذل جاه و مال و ترک نام و ننگ  
در طریق عشق، اول منزل است

(همان: 112)

سعدی اگر خون و مال صرف شد در وصال  
آنت مقامی بزرگ، اینت بهایی حقیر

گر تو ز ما فارغی وز همه کس بی‌نیاز  
ما به تو مستظهریم وز همه عالم فقیر

(سعدی، 1377: 450)

تا در میان نیاری بیگانه‌ای نه یاری  
درباز هرچه داری گر مرد انفاقی

(همان: 856)

سعدی اگر نام و ننگ در سر او شد چه شد؟  
مرد ره عشق نیست کش غم ننگ است و نام

(همان: 528)

- تحمّل جور و جفای یار و خطرات راه عشق: سعدی با تعلیم و تمرین صبوری در راه عشق - به عنوان یک فضیلت اخلاقی - بطور ضمنی، جور و جفای معشوق خویش را گوشزد کرده، وی را از آن باز می‌دارد و بدین گونه به او درس اخلاق می‌دهد:

هر که در آتش عشقش نبود طاقت سوز      گو به نزدیک مرو کآفت پروانه پر است

(همان: 103)

لازم است احتمال چندین جور      که محبت هزار چندین است

(همان: 131)

هر که با غمزه خوبان سر و کاری دارد      سست مهر است که بر داغ جفا صابر نیست

(همان: 175)

شرط است جفاکشیدن از یار      خمرست و خمار و گلبن و خار

(همان: 439)

هر که نامهربان بود یارش      واجب است احتمال آزارش

(همان: 473)

- تواضع و فروتنی در مقابل معشوق: تواضع و خاکساری در برابر معشوق از دیگر فضایل اخلاقی است که سعدی در غزلیات، به تعریف، توصیف و تعلیم آن پرداخته است و بدین گونه عاشقان را به کسب این فضیلت اخلاقی، دعوت و رهنمون می‌سازد:

سر بنه گر سر میدان ارادت داری      ناگزیرست که گویی بود این میدان را

(سعدی، 1377: 29)

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من      از خاک بیشتر نه که از خاک کمتریم

(همان: 644)

هم به در تو آمدم از تو که خصم و حاکمی      چاره‌ی پای بستگان نیست به جز فروتنی

(همان: 883)

کاربست فرایند رابطه‌ای در معرفتی ویژگی‌های اخلاقی سعدی، در مقام عاشق اخلاق‌گرا سعدی با کاربرد فرایند رابطه‌ای در شعر خویش ضمن معرفتی شخصیت خود، به بسیاری از ویژگی‌ها و صفات اخلاقی خویش نیز اشاره می‌کند که همه آن‌ها در راستای عشق‌ورزی‌های اوست:

- **صبور در مقابل سختی‌ها:** از جمله صفات اخلاقی سعدی در عشق‌ورزی به یار خویش، صبر و استقامت وی در مقابل جور و جفای معشوق است که از طریق فرآیند رابطه‌ای تعریف و توصیف شده است. در واقع سعدی با تعلیم و تمرین صبوری در مقابل سختی‌های راه عشق (خودسازی اخلاقی)، به طور ضمنی معشوق خود را نیز به ترک جور و جفا-که صفت منفی اخلاقی است -فرا می‌خواند:

چو می‌توان به صبوری کشید جور عدو      چرا صبور نباشم که جور یار کشم؟  
(سعدی، 1377: 594)

- **امیدوار به وصال:** سعدی همواره در طریق عشق‌ورزی، امیدوار به وصال معشوق است. به عبارت دیگر، یأس و ناامیدی-که از رذایل اخلاقی است-در هویت و شخصیت وی جایگاهی ندارد:

پس از تحمّل سختی امید وصل مراست      که صبح از شب و تریاک هم ز مار آید  
(همان: 416)

- **وفادار به یار و عهد و پیمان:** از دیگر ویژگی‌ها و صفات مثبت اخلاقی سعدی، وفاداری به معشوق و باقیماندن برسر عهد و پیمان با وی است. سعدی با کاربرد فرایند رابطه‌ای علاوه بر اینکه به معرفتی ویژگی‌ها و صفات اخلاقی خود می‌پردازد، به طور ضمنی، عهدشکنی و سست پیمان بودن یار خود را نیز- به عنوان یکی از نایدهای اخلاقی-تعریف و توصیف کرده و به او یادآور می‌شود که این صفت را در طریق عشق‌ورزی ترک نماید:

گیرند مردم دوستان نامهربان و مهربان  
هر روز خاطر با یکی، ما خود یکی داریم و بس  
 (همان: 465)

نه یاری سست پیمان است سعدی  
که در سختی کند یاری فراموش  
 (همان: 490)

آخر نه من و تو دوست بودیم  
عهد تو شکست و من همانم  
 (همان: 617)

- متواضع، فروتن و مطیع در برابر معشوق: سرفرو نهادن بر آستان و قدم یار، نشانه تواضع و خاکساری سعدی و از ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی وی است؛ در واقع سعدی فروتنی و مطیع امر و خواسته معشوق بودن را لازمه عاشقی می‌داند و اکتساب این صفت مثبت اخلاقی را در طریق عشق ورزی به همگان تعلیم می‌دهد:

گر سر قدم نمی‌کنمش پیش اهل دل  
سر بر نمی‌کنم که مقام خجالتست  
 (سعدی، 1377: 85)

ابنای روزگار غلامان به زر خرند  
سعدی تو را به طوع و ارادت غلام شد  
 (همان: 310)

شمشیر برآور که مرادم سر سعدی است  
ور سر نهم در قدمت، عاشق دونم  
 (همان: 623)

- عاشق گرفتار و پندناپذیر: سعدی از طریق فرایند رابطه‌ای خود را با صفاتی چون اسیر و گرفتار کمند یار و عاشقی پندناپذیر معرفی می‌کند و بدین گونه علاوه بر توصیف ویژگی‌های اخلاقی خود، بر شخصیت عاشقانه خویش صحنه می‌گذارد:

سعدی تو کیستی که درین حلقه کمند  
چندان فتاده‌اند که ما صید لاغریم  
 (سعدی، 1377: 645)

تن‌آسوده چه داند که دل‌خسته چه باشد؟  
من گرفتار کمندم تو چه دانی که سواری؟  
 (همان: 825)

عجب از عقل کسانی که مرا پند دهند برو ای خواجه که عاشق نبود پندپذیر

(همان: 455)

به طور کلی و با توجه به آنچه ذکر شد، سعدی موضوعات تعلیمی مورد نظر خود را با کاربست فرایند رابطه‌ای (وصفی-هویتی)-که نقش آن توصیف ویژگی‌ها و صفات یک موجود یا شناسایی و تعریف هویت آن است- تبیین می‌نماید و توضیح می‌دهد و بدین گونه به آموزش آن‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، تعلیم سعدی در این دسته از غزل‌ها (عاشقانه-تعلیمی)-با توجه به نقش و کاربرد فراوان فرایند رابطه‌ای- با تعریف و توصیف همراه است. در واقع وی با وصف و معرفی موضوعات تعلیمی همچون «روش عشق و ورزی، بیان شروط راه عشق، ویژگی‌های یک عاشق و خصوصیات اخلاقی خود» عشق و اخلاق‌مداری در طریق عشق‌ورزی را به همگان تعلیم می‌دهد.

ب. اندیشه تعلیمی سعدی در راستای اندیشه فلسفی خیامی

فلسفه خوش‌باشی و اصالت ذات که بر پایه غنیمت شمردن زندگی و فرصت کوتاه عیش و نوش، بی‌اعتباری دنیا، جفای فلک و ناپایداری عمر آدمی ساخته شده است، اگرچه به طور پراکنده در اشعار شاعران متقدم پارسی‌گوی به چشم می‌خورد اما نخستین بار به صورت جامع و فراهم در رباعیات خیام متجلی شده است. روح فلسفی و شکاک خیام که از نظر تفکر در نظام هستی و بی‌اعتباری جهان خاکی به تنگ آمده و در باورهای معاد و رستاخیز به دیده تردید و انکار می‌نگرد، چاره کار خویش را در خوش‌باشی، میگساری و معشوق‌پرستی می‌داند. سعدی نیز مانند خیام در کنار بیان مضامین خود در غزل، به این گونه اندیشه‌ها و باورها گریز زده است. چنان‌که صبور در این باره بر این باور است که «به طور کلی در دوران سعدی، صوفی و شیخ و زاهد ریایی، ترس از محتسب و شحنه، واعظان بی‌عمل، در کنار اندیشه‌های ثابتی مثل

بی‌بقایی عمر، ناپایداری جهان، ضرورت کامجویی و جز آن در زوایای سخن عاشقانه یا عارفانه راه می‌یافت» (1370: 411). همچنین هرمان اته درباره علت استفاده سعدی از کنایات و تشبیهات در شعرش اذعان می‌دارد که «سعدی نیز مانند عمر بن خیام برای جلوه‌گر ساختن مفاهیم انسانی و تکریم و تجلیل لذات زندگانی که در حدود و اندازه طبیعی باشد و مدح و تحسین آزادگی در مقابل ریا و کوشش خستگی‌ناپذیر در راه وصول به هدف‌های اعلی‌ارزش و شرف آدمی، تشبیهات و کنایات به کار می‌برد» (1356: 185).

از دیگر اندیشه‌ها و افکار خیام‌گونه سعدی، جبرگرایی اوست که البته اندیشه‌ای است اشعری که در سرتاسر غزلیات سعدی موج می‌زند. «سعدی در مدرسه نظامیه و به اقتضای فرهنگ غالب زمان خود، در کلام اشعری تربیت یافته بود. مهمترین اصل کلامی اشعریان اعتقاد به صبر است. جهان آفریده خداست و هرچه بخواهد با آن می‌کند. هیچ کس را حق چون و چرا نیست» (موحد، 1374: 104). محقق در کتاب «مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی» در باب جبرگرایی سعدی بر این باور است که «شکی نیست که او هم مانند هزاران فقیه و محدث و راوی و... پیرو مکتب کلامی اشعری بوده و یکی از اصول مهم این مکتب، عقیده به قضای محتوم و قدر ازلی و سعادت و شقاوت ذاتی است» (رستگار فسایی، 1375: 363).

ذکر این نکته ضروری است که افکار و اندیشه‌های فلسفی سعدی با خیام تفاوت‌هایی نیز دارد. سعدی بیشتر اوقات از بی‌اعتباری دنیا، ناپایداری عمر، جفای فلک و... در غزلیات، نتایج اخلاقی می‌گیرد. حال آن که خیام گاه دیدگاهی الحادی و گاه انکارکننده نسبت به خالق هستی را در رباعیاتش منعکس می‌کند. به طور کلی خوش‌باشی و امیدواری از ویژگی‌های شخصیتی سعدی است. فلسفه خیام در غزل‌های سعدی به یأس و ناامیدی فلسفی نمی‌انجامد و خود نیرویی عظیم برای گذراندن بهتر زندگی و تلاش بر کسب فضایل و نیکی‌ها بدل می‌شود. چنان‌که قنبر در طرح «مجموعه



هویت فرهنگی و توسعه (شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی) «مدخل مربوط به «سعدی» بر این باور است که «سعدی دید و اندیشه روشن و خوش‌بینانه‌ای دارد و نسبت به زندگی بدبین و مأیوس نیست» (1382: 256).

با توجه به مطالب فوق و همانطور که ذکر گردید سعدی با استفاده فراوان از فرایند رابطه‌ای در غزل‌های تعلیمی خود سعی دارد اندیشه فلسفی خیام و مسایل مربوط به آن را تعریف و توصیف کند و بدین‌گونه بر پایه خیام‌گرایی‌اش و همچنین از آنجا که حکیمی بشردوست است؛ با آگاه کردن همگان، به آن‌ها درس حکمت می‌دهد. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

- **اغتنام فرصت کوتاه عیش (خوش‌باشی):** از کلیدی‌ترین موتیف‌های فلسفی - تعلیمی سعدی، غنیمت شمردن دم (لحظه) است. وی در حقیقت با بیان این مطلب، همچون حکیمی خردمند اما عاشق، همگان را به شکار لحظه‌های عیش و عشرت، آن‌هم در کنار معشوق، دعوت می‌نماید و بدین طریق آدمیان را بر گذرا بودن حیات حقیقی این جهانی و بهره بردن از آن، آگاه می‌سازد:

هر دم که در حضور عزیزی برآوری      دریاب کز حیات جهان حاصل آن دم است  
(سعدی، 1377: 119)

هر کو شراب عشق نخوردست و دُرد درد      آن است کز حیات جهان نصیب نیست  
(همان: 173)

- **بی‌اعتباری دنیا:** از دیدگاه سعدی، افراط در دنیا دوستی و غرق شدن در تجملات فریبنده آن، مدموم و ناپسند است و باید از این امر دوری گزید:

ای دوست دل منه که درین تنگنای خاک      ناممکن است عافیتی بی‌تزلزلی  
مکروه طلعتیست جهان فریبناک      هر بامداد کرده به شوخی تجملی  
دنیا پلی است بر گذر راه آخرت      اهل تمییز خانه نگیرند بر پلی  
(همان: 1020)

- یادآوری مرگ و گذرا بودن عمر آدمی: کوتاهی عمر و اشاره ضمنی بر تذکار مرگ از دیگر موتیف‌های فلسفی-تعلیمی سعدی است که ضمن متن به سازی مخاطب، وی را به سوی زندگی در کنار دوست سوق می‌دهد:

عمر کوتاه ترست از آن‌که تو نیز در درازی وعده افزایی  
(همان: 732)

جز یاد دوست هرچه کنی عمر ضایع‌ست جز سرّ عشق هرچه بگویی بظالتست  
(سعدی، 1377: 85)

نه اول خاک بودست آدمی‌زاد به آخر چون بیندیشی همانند  
(همان: 961)

- جور روزگار و جفای فلک: سعدی از طریق فرایند رابطه‌ای، جور و جفای روزگار را در موضوع عشق‌ورزی به معشوق، توصیف می‌کند و بدین گونه همگان را از بد عهدی گردش ایام در امر عاشقی مطلع می‌سازد:

پیر بودم ز جفای فلک و جور زمان باز پیرانه سرم عشق جوان باز آمد  
(همان: 316)

خواهی که دل به کسی ندهی دیده‌ها پیکان چرخ را سپری باشد آهنی  
بدوز  
(همان: 878)

- بی‌اختیاری انسان در مقابل قضای الهی (جبرگرایی): مذهب اشعری و دیدگاه جبرمنشانه سعدی، بی‌اختیاری آدمی را در برابر سرنوشت محتوم و قضای الهی توضیح و تبیین می‌نماید:

به اختیار قضای زمان نباید ساخت که دایم آن نبود که اختیار ما باشد  
(همان: 282)

ای خواجه برو که جهد انسان با تیر قضا سپر نباشد  
(همان: 293)

به طور کلی و باتوجه به شواهدی که ذکر شد، می‌توان گفت که سعدی موتیف‌های فلسفی - تعلیمی همچون «اغتنام فرصت کوتاه عیش، بی‌اعتباری دنیا، گذرا بودن عمر آدمی، جور و جفای روزگار و...» را از طریق کاربرد فرایند رابطه‌ای وصفی - هویتی تعریف و توصیف می‌کند و بدین گونه با مطرح سازی موضوعاتی از قبیل «بی‌اعتباری دنیا، گذرا بودن عمر آدمی و جور روزگار» بیشتر در پی تعلیم شیوه زندگی کردن بر پایه اصل لذت (خوش بودن و خوش گذراندن) است. در واقع سعدی به زبان ساده بیان - می‌کند که چون اوضاع فلک و روزگار ثابت و برقرار نیست و دنیا بی‌اعتبار و محل گذر است و با توجه به کوتاه بودن عمر آدمی؛ باید «دم و آن» را غنیمت شمرد، لحظه‌های خوش حیات را شکار نمود و در یک کلام باید زندگی کرد.

بدین ترتیب با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان چنین برداشت کرد که کاربرد فرایند رابطه‌ای در غزل‌های عاشقانه - تعلیمی با بیشترین درصد کاربرد نسبت به سایر فرایندها مبین دو اندیشه تعلیمی است که یکی در راستای اندیشه غنایی غزلیات است و در آن نکات تعلیمی چون روش عشق‌ورزی، شروط راه عشق، ویژگی‌های یک عاشق و همچنین خصوصیات اخلاقی سعدی با توجه به نقش فرایند رابطه‌ای (وصفی - اسنادی یا شناسایی - هویتی) بیان شده است که همه آن‌ها معرف شخصیت عاطفی، عاشقانه و اخلاق‌گرای سعدی است.

دومین اندیشه تعلیمی که از طریق این فرایند مطرح گردیده است اندیشه فلسفی خیام با موضوعاتی همچون اغتنام فرصت کوتاه عیش، بی‌اعتباری دنیا، یادآوری مرگ و گذرآوردن عمر آدمی، جور روزگار و جفای فلک، و بی‌اختیاری انسان در مقابل قضای الهی (جبرگرایی) است که با فرایند رابطه‌ای وصفی - اسنادی توصیف و تعریف گشته و تعلیم داده شده است. این اندیشه‌ها نیز بیانگر شخصیت بشردوست (اومانیزست‌گرا) و خیام‌گونه سعدی است.

اندیشه‌های تعلیمی مطرح شده در غزل‌های سعدی با کاربری فرایند رابطه‌ای  
(پربسامدترین نوع فرایند)

2- اندیشه تعلیمی در راستای اندیشه فلسفی خیام (روش زندگی)	1- اندیشه تعلیمی در راستای اندیشه غنایی غزل (عشق)	
الف. موضوعات تعلیمی	الف. موضوعات تعلیمی	
اغتنام فرصت کوتاه عیش (خوش باشی)	معرفی ویژگی‌های اخلاقی سعدی در مقام عاشق اخلاق گرا	تعلیم راه و رسم عشق ورزی
بی اعتباری دنیا	صبور در مقابل سختی‌ها	آدمیت در راه عشق
	امیدوار به وصال	
یاد آوری مرگ و گذرا بودن عمر آدمی	وفادار به یار و عهد و پیمان	ترک تعلق در طریق عشق ورزی
جور روزگار و جفای فلک	متواضع، فروتن و مطیع در برابر معشوق	تحمل جور و جفای یار و خطرات راه عشق
بی اختیار بودن انسان در مقابل قضای الهی (جبر گرایی)	عاشق گرفتار و پند ناپذیر	تواضع و فروتنی در مقابل معشوق
تعلیم شیوه زندگی کردن بر پایه اصل لذت (خوش باشی)	تعلیم عشق و اخلاق مداری در طریق عشق ورزی	
ب. دستیابی به شخصیت بشردوست (اومانیزم گرا) و خیام گرای سعدی	ب. دستیابی به شخصیت عاطفی - عاشقانه و اخلاق گرای سعدی	

### 3- نتیجه

- با توجه به تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده می‌توان بحث را این گونه خلاصه نمود:
- به طور تقریبی یک سوم غزل‌های سعدی، تعلیمی هستند.
  - ابیات تعلیمی در غزل‌های سعدی، بیشتر دارای فرایندهای اصلی به ترتیب بسامد «رابطه‌ای، ذهنی و مادی» هستند و پس از آن‌ها سایر فرایندهای فرعی به ترتیب «کلامی، رفتاری و وجودی» به کار رفته‌اند.
  - تحلیل آماری فرایندها نشان می‌دهد که پربسامدترین فرایند به کار رفته در غزل‌های تعلیمی، فرایند رابطه‌ای (28/5%) است که بیشتر با افعالی همچون «هست، نیست، داشتن، نداشتن، بودن و نبودن» به کار رفته است.
  - سعدی در غزل‌های تعلیمی خود از طریق فرایند رابطه‌ای «وصفی یا هویتی» دو اندیشه‌ی تعلیمی را برجسته و مطرح می‌سازد که یکی در راستای اندیشه‌ی غنایی غزل یعنی «عشق» است و دیگری اندیشه‌ی فلسفی خیام.
  - اندیشه‌ی تعلیمی سعدی که در راستای اندیشه‌ی غنایی غزل او - عشق - است، حاکی از اخلاق‌گرایی وی در تعلیم عشق و بیان راه و رسم عاشقی است و به صورت توصیف مسایلی چون «آدمیت در گروهی عشق‌ورزی، صبوری و تحمل جور و جفای معشوق و ...» و یا ذکر ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی سعدی است که از طریق فرایند رابطه‌ای مطرح شده است.
  - از جمله خصوصیات اخلاقی سعدی در این گونه‌ی غزلیات عبارتند از: صبور در مقابل سختی‌ها، وفادار به یار و عهد و پیمان، متواضع و مطیع در برابر یار و ... که با فرایند رابطه‌ای وصفی یا هویتی بیان شده است.
  - سعدی از طریق فرایند رابطه‌ای وصفی - اسنادی، اندیشه‌ی فلسفی خیام را با موضوعاتی از قبیل «خوش‌باشی و اغتنام فرصت، بی‌اعتباری دنیا، یادآوری مرگ و

گذرابودن عمر آدمی، جور و جفای روزگار و بی‌اختیاری انسان در مقابل قضای الهی (جبرگرایی) توصیف نموده و بدین‌گونه مخاطبان خود را موعظه و نصیحت نموده است. بدین ترتیب، پیوند اخلاق (اندیشه تعلیمی) و عشق (اندیشه غنایی) در غزل‌های سعدی نشانگر شخصیت عاطفی - عاشقانه و اخلاق‌گرای وی است. از سویی دیگر، تعریف و توصیف اندیشه فلسفی خیام در غزل‌های سعدی مبین اومانیزست‌گرایی (بشردوستی) و به عبارتی خیام‌گرایی سعدی است. در واقع، می‌توان سعدی را شاعر عشق و زندگی دانست. اگر وی در غزلیات تعلیمی خویش به تعریف و توصیف نکات فلسفی همچون بی‌اعتباری دنیا، گذرابودن عمر آدمی و... می‌پردازد، سعی دارد انسان‌ها را به سوی فلسفه زندگی - تعلیم چگونه زندگی کردن و لذت بردن از آن - سوق دهد و همگان را به آن دعوت نماید.

#### پی‌نوشت‌ها

1- اشعار تعلیمی به طور کلی به آثاری اطلاق می‌شود که هدف سراینده و گوینده آن تشریح و تبیین مسایل اخلاقی و اندیشه‌های مذهبی، حکمی و مضامین پندگونه است. (یلمه‌ها، 1390: 154)

2- شایان یادآوری است از آنجا که «فعل، مهمترین بخش گزاره در واحد جمله است» (خانلری، 1355: 18) و همچنین این مسأله که «فعل در زبان سعدی تنوع زیادی دارد. در زنجیره گفتار او درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد و بیشتر از دیگر اقسام کلمه، قدرت گزارش‌دهی دارد» (صیادکوه، 1386: 191-192)؛ لذا در این تحلیل، صرفاً به بررسی سبکی «فعل» - یعنی افعال به کار رفته در ابیات تعلیمی غزل‌های تعلیمی (2306 فعل) با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌پردازیم.

#### منابع

1- اته، هرمان (1356). تاریخ ادبیات فارسی، مترجم صادق رضا زاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- 2- آقا گل زاده، فردوس، عالیہ کرد زعفرانلو و حسین رضویان. (1390). سبک شناسی داستان براساس فعل، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره چهار، ش یک (پی در پی 11): 243-254.
- 3- ایران زاده، نعمت الله. (1382). تحلیلی بر کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی، پژوهش‌های ادبی، ش 2 (علمی-پژوهشی): صص 37-62.
- 4- ایشانی، طاهره. (1393). بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، مجله علمی پژوهشی زبان‌شناخت، دوره 5، ش 9: تابستان 1393، 19-34.
- 5- تنکابنی، حمید. (1382). مجموعه هویت فرهنگی و توسعه (شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی)، تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- 6- حمیدیان، سعید. (1383). سعدی در غزل، تهران: نشر قطره.
- 7- رستگار فسایی، منصور. (1373). انواع شعر فارسی، شیراز: نوید.
- 8- ----- (1375). مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، تهران: امیرکبیر.
- 9- ریپکا، یان. (1381). تاریخ ادبیات ایران، تهران: علمی و فرهنگی.
- 10- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله. (1377). دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی، خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- 11- شمیسا، سیروس. (1381). انواع ادبی، تهران: فردوس.
- 12- ----- (1386). سیر غزل در شعر فارسی، تهران: علم.
- 13- ----- (1386). سبک‌شناسی شعر، تهران: میترا.
- 14- صبور، داریوش. (1370). آفاق غزل فارسی (پژوهشی انتقادی در تحول غزل از

- آغاز تا امروز)، تهران: نشر گفتار.
- 15- صیاد کوه، اکبر. (1386). مقدمه ای بر نقد زیبایی شناسی سعدی، تهران: روزگار.
- 16- عبادیان، محمود. (1384). تکمیل غزل و نقش سعدی (مقدمه ای بر مبانی جامع شناختی و زیبایی شناختی غزل فارسی و غزلیات سعدی)، تهران: اختران.
- 17- مدرس زاده، عبدالرضا و بنفشه صفوی. (1390). نگاهی به آموزه های اخلاقی در غزل های سعدی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، سال سوم، ش دوازدهم: صص 148-127.
- 18- موحد، ضیاء. (1374). سعدی، تهران: طرح نو.
- 19- ناتل خانلری، پرویز. (1355). دستور زبان فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- 20- نبی لو، علیرضا. (1391). بررسی و تحلیل نی نامه سروده مولوی برمبنای زبان شناسی نقشگرای سازگانی، پژوهش های زبان شناختی در زبان های خارجی، دوره دوم، ش اول: 129-111.
- 21- یلمه ها، احمدرضا. (1390). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، سال سوم، ش یازدهم: 175-153.

22-Halliday, M. A. K. (1994). **An introduction to Functional Grammar**, London. Edward Arnold.

23-Halliday, M. A. K. & Hassan, Ruqaiya. (1989). **language, Context and Text: aspects of language in a social-semiotic perspective**. oxford: oxford up.

24-Thomson, G. (1996). **Introducing Functional Grammar**. London, Arnold.